

تحلیل اثرات اقتصادی تبدیل روستاها به شهر مورد: شهر محمودآباد در استان آذربایجان غربی

سید حسن مطیعی لنگرودی*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
حسنعلی فرجی سبکبار؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
الهام بهنام‌زاده، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۲

چکیده

از دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، شکل‌گیری مراکز شهری کوچک به عنوان راهبردی برای بهبود وضعیت اقتصادی و رسیدن به عدالت اجتماعی در مناطق روستایی ایران، نمود بیشتری یافت؛ چرا که شهرهای کوچک از حیث اقتصادی، می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و با جذب نیروی کار فعال که در پی یافتن شغل و درآمد به دنبال مهاجرت به شهرهای بزرگ هستند، موجب تعادل اقتصادی در مناطق گردد و بسیاری از مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ را کاهش دهد. با توجه به کارکردهای شهرهای کوچک، تحقیق حاضر به دنبال واکاوی و تحلیل اثرات اقتصادی تبدیل به شهر شدن محمودآباد در استان آذربایجان غربی بوده است. در این خصوص به بررسی و مقایسه عملکرد اقتصادی شهر محمودآباد در دو مقطع زمانی قبل و بعد از شهر شدن پرداخته شده است. روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی و پیمایشی (کتابخانه-ای، میدانی، مصاحبه، پرسشنامه) است. جامعه آماری مورد مطالعه ۱۸۳۵ خانوار ساکن در شهر محمودآباد بوده که با استفاده فرمول نمونه‌گیری کوکران محاسبه و ۳۲۰ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شده است. داده‌ها با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون T زوجی تحلیل شده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد با تبدیل شدن محمودآباد به شهر، وضعیت اقتصادی این سکونتگاه بعد از شهر شدن بهبود نسبی یافته است که عمدتاً ناشی از مشاغل خدماتی و اداری بوده است. در ارتباط با وضعیت درآمدی نیز بهبود بسیار کمی ایجاد شده است که این امر می‌تواند ناشی از وجود تورم بالا در شهرهای کوچک و کاهش قدرت خرید مردم، در سال‌های اخیر باشد.

واژگان کلیدی: شهر شدن روستا، اقتصاد شهری، اقتصاد روستایی، شهر محمودآباد.

* shmotiee@ut.ac.ir

(۱) مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی (روستایی و شهری) پدیده‌ای فضایی و مکانی هستند که شناخت، تبیین، درک قانونمندی‌های حاکم بر شکل‌گیری، تحول و تکامل آن در چارچوب روابط متقابل انسان و محیط، یک موضوع جغرافیایی است. شهرنشینی در کشورهای پیشرفته صنعتی و نیز در کشورهای توسعه نیافته، بارزترین نمود تکامل جوامع انسانی به‌شمار می‌رود. این امر به‌ویژه در شهرهای بزرگ، جوامع انسانی را با مسائل متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی از جمله مشکل مسکن، کمبود امکانات و ظرفیت‌های زیست محیطی، آلودگی، مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ رو به رو می‌سازد. از این رو، به منظور کاهش عدم تعادل در نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی به کار گرفته شده است. از جمله این سیاست‌ها، تبدیل تعدادی سکونتگاه‌های روستایی به شهری مبتنی بر دیدگاه توسعه از پایین به بالا است. سیاست توسعه شهرهای کوچک به منظور توسعه مناطق روستایی و جلوگیری از افزایش روند مشکلات شهرهای بزرگ در مقابل سیاست ایجاد شهرهای جدید مطرح شده است.

امروزه روند رشد سالانه جمعیت در نقاط شهری ناشی از تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک است که روز به روز در حال گسترش است به طوری که رشد سالانه جمعیت در سال‌های ۸۵-۹۰ در نقاط شهری برابر با ۲/۱۴ درصد و در نقاط روستایی ۰/۶۳- درصد بوده است (مرکز آمار، ۱۳۹۰). شهرهای کوچک با ایجاد فرصت شغلی و درآمد حاصل از آن، محرک توسعه در سطح محلی برای ساکنین خود و نواحی روستایی حوزه نفوذ بوده که دارای اهمیت اقتصادی است. با تجهیز امکانات و خدمات زیرساختی در این شهرها و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، علاوه بر صرف هزینه کمتر، نیازهای ساکنین شهرهای کوچک رفع می‌گردد و منجر به کاهش مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگتر می‌شود. از این رو دولت به منظور کاهش شکاف اقتصادی میان شهر و روستا با ایجاد تعادل در بعد اقتصادی و توزیع عادلانه امکانات بین شهر و روستا، با تبدیل نقاط روستایی به شهر، حتی در مواردی که فاقد استانداردهای وزارت کشور هستند، سعی در گسترش عمل نفوذ خود به منظور ایجاد تعادل فضایی امکانات و خدمات دارد. این امر در صورتی که با شناخت و برنامه‌ریزی انجام نشود، می‌تواند اثرات سوئی بر اقتصاد روستاهایی که تبدیل به شهر می‌شود و نیز روستاهای حوزه نفوذ شهر، داشته باشد؛ به طوری که جریان سرمایه‌ها و منابع مالی روستاییان به شهرهای کوچک و محلی انتقال نمی‌یابد و از سوی دیگر منجر به کاهش تولیدات کشاورزی و کاهش توسعه در بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، خدمات، صنعت) شده و به جهت کاهش امکانات و شغل و درآمد، شهرهای کوچک قادر به جذب جمعیت نبوده و مهاجرت افراد از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ خواهد شد. در نهایت اثرات سوئی بر اقتصاد شهرهای کوچک و بزرگ خواهد گذاشت. به این منظور برای تبدیل نقاط روستایی به شهر، بررسی اثرات اقتصادی این گونه تغییرات و تحولات برای برنامه‌ریزی نظام سکونتگاهی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. شهر

محمودآباد در سال ۱۳۸۴ با جمعیت ۵۰۰۰ نفر از ادغام دو روستای کهنه محمود جیق و محمودآباد (مرکز دهستان) به شهر تبدیل شده است. این تغییرات در نظام سکونتگاه روستایی محمودآباد، با تغییراتی در ابعاد اقتصادی همراه است. از این رو هدف تحقیق تحلیل اثرات شهر شدن محمودآباد بر وضعیت اقتصادی ساکنان است. با توجه به موارد ذکر شده، سوال اصلی این است که شهر شدن روستای محمودآباد چه تغییراتی در وضعیت اقتصادی ساکنان آن داشته است؟

۲) مبانی نظری

ایزدی خرامه (۱۳۸۰)، در رساله خود درباره تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی در استان فارس، به این نتایج رسیده است که به رغم وجود جنبه‌های مثبت و منفی در تبدیل روستا به شهر، به منظور ایفای نقش مؤثر این مراکز در سلسله مراتب سکونتگاهی و توسعه، تجدید نظر در معیارها و ملاک‌های تبدیل روستا به شهر ضروری بوده و لزوم اجرای راهبرد توسعه شهرهای کوچک برای توسعه روستایی در ایران بیش از پیش احساس می‌شود و سیاست تبدیل روستا به شهر نیز می‌بایست در چارچوب این راهبرد دیده شود.

گلی و عسگری (۱۳۸۴)، در بررسی خود با عنوان کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر (استان تهران) بیان داشته‌اند که تبدیل روستا به شهر بدون ایجاد بسترهای مناسب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیربنایی، علاوه بر افزایش هزینه‌های بخش عمومی، سبب افزایش سطح توقع و انتظار ساکنان این سکونتگاه‌ها و تقویت باور به منظور جذب حمایت‌های مالی و اعتباری جهت توسعه و عمران روستا می‌شود.

رضوانی و همکاران (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با بهره‌گیری از روش تحلیل شبکه در دهستان رونیز (شهرستان استهبان)، به بررسی و مقایسه جریان‌ها و روابط موجود در سطح دهستان مورد مطالعه در دو مقطع قبل و بعد از شهرشدن رونیز پرداخته است. نتایج بررسی نشان داده است که شهر رونیز توانسته به عنوان مکان مرکزی نقش کلیدی در خدمات رسانی به نواحی پیرامون خود ایفا نماید که به تبع آن موجب کاهش وابستگی نواحی روستایی به مرکز شهرستان گردیده است.

از نظر مکتب نوسازی و به ویژه نوسازی اقتصادی، افزایش آهنگ الگوی صحیح توسعه صنعتی-شهری می‌تواند محدودیت‌های درونی و ذاتی توسعه روستایی را جبران و برطرف سازد (Douglass, 1998, 1). نظریه‌پردازان جامعه‌شناختی و اقتصادی مکتب نوسازی مانند: اسملسر، ردفیلد، اینکلس، هوزلیتز و ایزنشتاد با توجه به گسترش جامعه شهری و غلبه آن بر اجتماعات روستایی در کشورهای توسعه یافته، یکی از معیارهای اساسی توسعه و نوسازی را شهرگرایی و تمرکز اجتماعات کشورهای در حال توسعه در

شهرها می‌دانند (سبزیان، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۱)؛ از این رو، مکتب نوسازی بر این اعتقاد است که شهرها و به ویژه شهرهای کوچک عامل ایجاد، گسترش و موتور محرک توسعه هستند و به عنوان تسهیل کننده و پخش توسعه و نوآوری روی حوزه نفوذ روستاهای پیرامون عمل می‌کند (افراخته، ۱۳۸۳: ۱۰۴). به بیان دیگر، این گونه شهرها به عنوان ابزاری جهت انتقال ارزش افزوده از مراکز شهری بزرگ به حوزه نفوذ روستایی‌شان و تحول در نظام روابط بین شهر و روستا مورد تأکید قرار می‌گیرد (قرخلو و شورچه، ۱۳۸۵: ۱۶۴)، که می‌توانند در افزایش فرصت‌های شغلی، کاهش مهاجرت‌های نامطلوب و تأمین خدمات مورد نیاز روستائیان نقش مؤثری ایفا نمایند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

مهم‌ترین بازاری که در شهرهای کوچک برای روستائیان وجود دارد بازار محلی کشاورزی است که کشاورزان به عنوان تولید کننده و فروشنده در آن مشارکت می‌کنند که به لحاظ توجه برنامه‌ریزان و دولتمردان در نواحی مستعد کشاورزی منجر به ایجاد بازارهای صادراتی کشاورزی در کنار بازار محلی کشاورزی می‌شود. شهرهای کوچک با تأمین دسترسی به خدمات، تسهیلات و فرصت‌های اشتغال غیرکشاورزی و نیز تدارک و تأمین انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم برای تجاری کردن کشاورزی موجب افزایش فرصت‌های اشتغال و تنوع شغلی، تقویت فعالیت‌های صنعتی، افزایش درآمد و رونق اقتصادی، افزایش سطح سواد و سرمایه اجتماعی در شهرها شده است (قادرمزی، ۱۳۸۳: ۱۵۵) و به دگرگونی اقتصاد در نواحی روستایی کمک می‌کنند و در صورت بهبود پیوند با حوزه نفوذ، می‌توانند به صورت مراکزی برای بازاریابی، خدمات فرآوری محصولات کشاورزی، حمل و نقل، توزیع، ارتباطات، مبادله، اشاعه نوآوری و توسعه فعل و انفعالات متقابل اجتماعی درآیند (Rondinelli, 1983: 395-397). همچنان که راندینلی از پایه‌گذاران اصلی راهبرد شهرهای کوچک، مبنای عملکرد این شهرها را در صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل و نقل تعریف کرده است (پاپلی‌یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۱۷). بدین‌سان، کارکرد شهرهای کوچک در توسعه بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات قابل تحلیل است

مهم‌ترین کارکرد شهرهای کوچک، در توسعه بخش کشاورزی است که یکی از کارکردهای آن، توزیع تولیدات کشاورزی در بازارهای هفتگی است. شهرهای کوچک به عنوان یک مرکز بازاری سطح بالاتر، محصولات کشاورزی و کالاهای روستایی را برای فروش و توزیع در سطح ناحیه‌ای و هم خارج از ناحیه‌ای مهیا می‌کنند. از این رو بدون ادامه توسعه کشاورزی و فعالیت‌های فرآوری محصولات کشاورزی، نمی‌توان از شهرهای کوچک انتظار رشد داشت. همچنین تقویت کشاورزی بدون وجود مغازه‌هایی که نهاده‌های کشاورزی را برای روستائیان تأمین می‌کنند، دور از انتظار خواهد بود (Douglass, 1998, 11) به عبارت دیگر، افزایش تولید کشاورزی به قابلیت دسترسی آسان به خدمات ترویجی و نهاده‌های کشاورزی نیازمند است (Silberfein & Kessler, 1988: 85).

راندینلی معتقد است که شهرک‌های بازاری و شهرهای کوچک نقش مهمی به عنوان بازار برای محصولات کشاورزی، منبع نهاده‌های تجاری و کشاورزی و مراکز اشتغال زراعی به عهده دارد (Rondinelli, 1983, 23). توسعه کشاورزی هم به نوبه خود رشد شهر را سرعت بخشیده و هم به اقتصاد شهرهای کوچک شکل می‌دهد؛ به طوری که با ایجاد فرصت افزایش تولیدات کشاورزی برای خانوارهای کشاورز، مشوق ازدیاد فعالیت غیرکشاورزی، تنوع اقتصاد شهری، رشد مراکز شهری می‌شود (Evans, 1992, 664). علاوه بر آن حتی در شهرهای بزرگتر نیز بیشتر اشتغال درجه دوم و درجه سوم یا مستقیماً در فعالیت‌های مربوط به بازار کشاورزی بوده یا به طور غیر مستقیم به تولیدات کشاورزی متکی است. در این اثرات دو جانبه از طریق زیر متجلی می‌گردد:

- افزایش جمعیت شهرنشین، تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهد؛
- شهرها بازار فروش را برای محصولات کشاورزی فراهم نموده و مراکز داد و ستد کالاهای کشاورزی محسوب می‌گردد؛
- به وجود آمدن بازار مبادلات محصولات کشاورزی، زمینه اشتغال گسترده را در فعالیت‌های تجاری، خدماتی این محصولات برای کارگران شهری فراهم می‌سازد؛
- توسعه کشاورزی انگیزه برای توسعه شهری و تنوع اقتصاد شهرها را در مناطق روستایی فراهم می‌سازد؛
- خدمات، تسهیلات رفاهی و زیربنایی شهرها، موجب افزایش تولیدات کشاورزی در روستاهای اطراف می‌گردد و هزینه تولید و توزیع کشاورزان را کاهش می‌دهد (Ruddle & Randinelli, 1983:3).

به طور کلی شهرهای کوچک در حمایت از رشد تولید کشاورزی و درآمدهای روستایی نقش حیاتی بازی می‌کنند و این نقش حیاتی از دو طریق عمده اعمال می‌شود: الف- شهرهای کوچک به عنوان مراکزی برای جمع آوری و بازاریابی تولید مزارع عمل می‌کنند؛ ب- توزیع نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی (Evans, 1992, 663) را فراهم می‌نمایند.

شهرهای کوچک عمدتاً بستر ایجاد صنایع و بنگاه‌های اقتصادی کوچک مقیاس هستند و از اثرات زاینده صنایع بزرگ به دور است (علی بابایی، ۱۳۸۱، ۱۰). این صنایع عمدتاً به فرآوری و عمل آوری محصولات نباتی و حیوانی (اعم از زراعی، باغی، شیلاتی، دام و طیور، جنگل و مرتع) می‌پردازد. از آن جا که محصولات کشاورزی در کمترین زمان در معرض فساد قرار می‌گیرند، به همین دلیل، حتی اگر در تولید محصولات کشاورزی بهترین و باکیفیت‌ترین محصول تولید گردد، باید با فرآوری، از ضایعات آن جلوگیری شود. به همین جهت گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌تواند یکی از مؤثرترین گزینه‌های کاهش این حجم از ضایعات باشد؛ به طوری که در اقتصاد کشاورزی معاصر، صنایع تبدیلی عامل مهمی

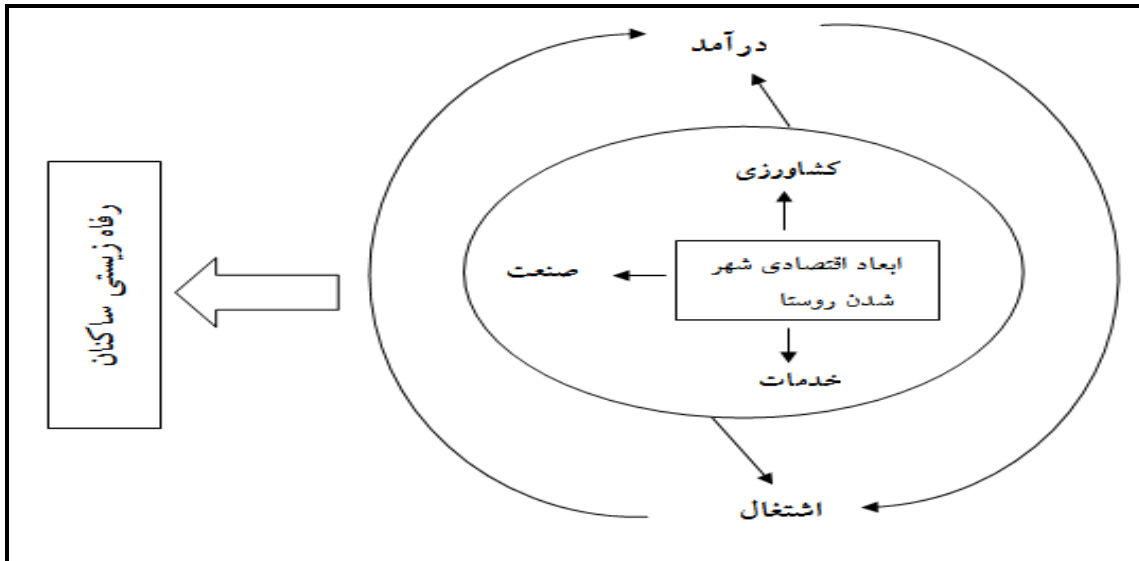
در فرآوری محصولات کشاورزی است که از یک سو ارزش افزوده محصولات اولیه را ارتقا می‌دهند و از سوی دیگر محصولاتی به بازار ارایه می‌کنند که با استفاده از تکنولوژی مدرن به دست آمده‌اند. ایجاد صنایع تبدیلی یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. این صنایع از میزان بیکاری‌های دایمی و فصلی در شهرهای کوچک می‌کاهد. همچنین زمینه مناسب جهت توسعه بخش کشاورزی را فراهم آورده و به افزایش تولیدات، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه ای منجر خواهد شد. بنابراین توسعه صنعتی و توسعه شهرهای کوچک دارای روابط متقابل تنگاتنگی بوده و از جمله عوامل موفقیت توسعه شهرهای کوچک، توجه به صنعتی شدن این شهرها است.

شهرهای کوچک به عنوان گره‌های جریان داخلی با مبادله اجناس بین شهر و حومه، مقدار زیادی از تولیدات صنعتی شهرهای بزرگ و متوسط را از طریق شهرهای کوچک به نواحی روستایی وسیع انتقال می‌دهد؛ در مقابل مقدار زیادی از تولیدات کشاورزی و تولیدات فرعی و بومی در نواحی روستایی به صورت ابتدایی در شهرهای کوچک عمل‌آوری می‌شود و سپس به شهرهای متوسط و بزرگ انتقال می‌یابند (Deyin & Sun, 1982,26). از این رو بازار شهرهای کوچک، اساس اقتصاد شهری را تشکیل می‌دهد و این اقتصاد از تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی تأثیر می‌پذیرد (شکویی، ۱۳۷۳: ۲۹۷).

تنوع و حجم گسترده تجارت که اغلب در شهرهای کوچک به چشم می‌خورد نشانگر اهمیت این شهرها به عنوان مراکز بازار منطقه‌ای است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۱۹۶). شهرهای کوچک زمانی می‌توانند نقش بازاری خود را به خوبی ایفا نمایند که به صورت گره‌های قابل دسترس در یک شبکه حمل و نقل مناسب توسعه یافته باشد. شهرهای کوچک در تولید منطقه‌ای و ملی نقش نسبتاً جزئی دارند، اما به عنوان مرکز ارائه دهنده کالا و خدمات به ساکنین نواحی پیرامونی و نیز فراهم آوردن دسترسی به شبکه‌های حمل و نقل منطقه‌ای و ملی نقش مهمی دارد.

یکی از مهم‌ترین عواملی که امروزه می‌تواند به از بین بردن اختلاف بین مناطق و رسیدن به تعادل کمک کند، اشتغال است؛ به طوری که برخی از صاحب‌نظران این عامل را در کشور ما مهم‌ترین عامل در تثبیت جمعیت یک ناحیه و ایجاد تعادل ناحیه‌ای یا منطقه‌ای می‌دانند. تبدیل روستاهای بزرگ به شهر در ایجاد اشتغال، دگرگونی منطقه‌ای و تغییرات کالبدی روستاها مؤثر است (وزارت کشور، ۱۳۷۸: ۴). افزایش فرصت‌های شغلی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگتر و بهبود کارکردهای خدماتی این شهرها از جمله آثار مثبت تبدیل روستاها به شهر است (طاهرخانی، ۱۳۷۸: ۱۸). شهرهای کوچک می‌توانند به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، به ویژه در صنایع کوچک مقیاس، فرآوری محصولات کشاورزی، بازرگانی و تجارت کشاورزی و صنایع خانگی که از منابع محلی به عنوان مواد اولیه برای تولید استفاده می‌کنند کمک نمایند (Rondinlli, 1983,67)؛ به عبارتی شهرهای کوچک می‌توانند به عنوان یک

مرکز جذب نیروی کار مازاد روستایی در فعالیتهای غیرکشاورزی عمل نموده و منابع جایگزین اشتغال و درآمد و افزایش عرضه و تقاضا برای کالاهای ساخته شده با هزینه کم تأمین نمایند (Poppe, 1991, 339). علاوه بر این شهرهای کوچک در تأمین مشاغل غیر رسمی به عنوان یک منبع اشتغال نقش مهمی دارد و در برنامه توسعه شهرهای کوچک می‌بایست به این امر توجه گردد و دولت‌ها باید شرایطی به وجود آورند که فعالیتهای بخش رسمی به طور مؤثر امکان پذیر باشد (Leinbach, 1992, 320-321).

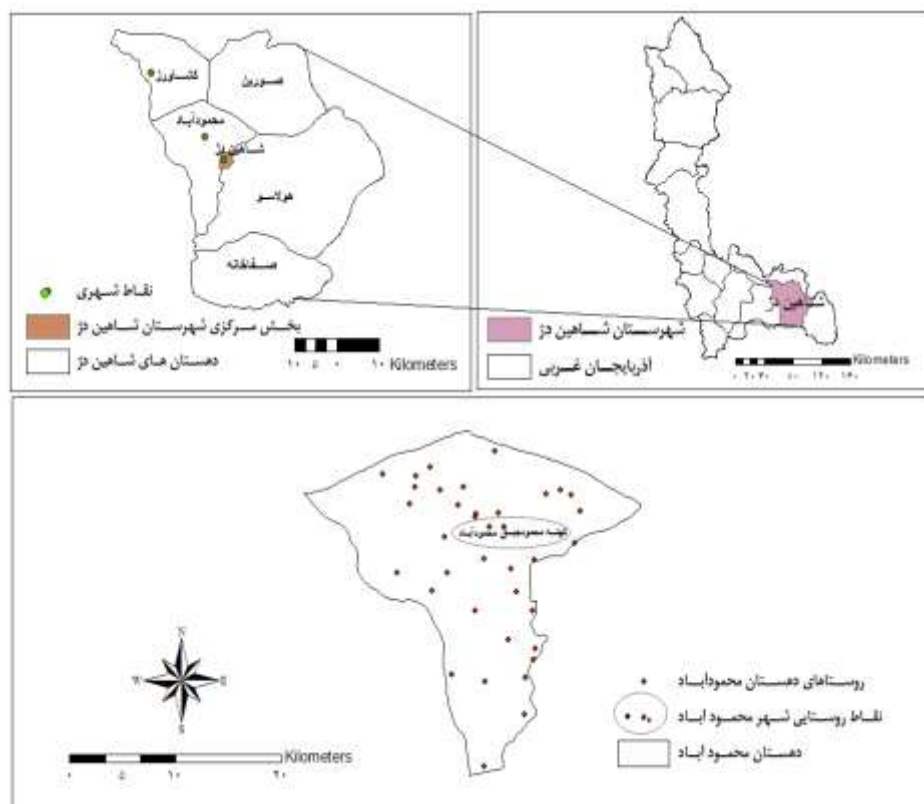


شکل شماره (۱): مدل مفهومی شهرشدن روستاها و توسعه اقتصادی

۳ روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات با توجه به ماهیت مطالعه حاضر به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. بر این اساس ابتدا برای شناخت موضوع تحقیق، کسب بینش نظری لازم و استخراج متغیرها از مفاهیم نظری مرتبط با موضوع تحقیق نظیر شهرهای کوچک، توسعه اقتصادی، اشتغال و درآمد استفاده شده است. جامعه آماری ۱۸۳۵ سرپرست خانوار بوده است که با استفاده از فرمول حجم نمونه‌گیری کوکران، ۳۲۰ خانوار به عنوان نمونه مشخص شده است. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ برای هر کدام از متغیرها انجام گرفته که آلفای کرونباخ در مؤلفه اشتغال با ۰/۷۶ گویه برابر با ۰/۷۶ و در مؤلفه درآمد با ۰/۷۸ گویه برابر با ۰/۷۸ بوده است که نشان دهنده پایایی خوب سوال‌های پرسشنامه است. داده‌های پرسشنامه به صورت طیف لیکرت به صورت خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) در محیط SPSS کدگذاری شده سپس میانگین گویه‌های مربوط به هر یک از عوامل محاسبه شده است. در ادامه برای تحلیل داده‌ها از آزمون t نمونه زوجی استفاده شده است.

شهر محمودآباد در ۵ کیلومتری شمال غرب شاهین دژ در استان آذربایجان غربی قرار دارد و در مسیر ارتباطی میاندوآب به شاهین دژ واقع شده است (طرح هادی محمودآباد، ۱۳۸۴: ۲۶). شهر محمودآباد در ابتدا یکی از دهات چهاردولی بخش مرکزی مراغه بوده که در سال ۱۳۳۹ به شهرستان میاندوآب پیوسته است، اما در سال ۱۳۷۰ که بخش صائین دژ به شهرستان تبدیل می‌شود، محمودآباد مرکز دهستان شده و ۲۹ روستا از نظر اداری تابع این دهستان بوده است (آذین پور، ۱۳۷۳: ۳). محمودآباد در تاریخ ۸۴/۵/۲۵ از ادغام روستای محمودآباد (نام محلی مامی جق) و کهنه محمود جیق به شهر تبدیل شده است.



شکل شماره (۲): موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان آذربایجان غربی

(۴) یافته‌های تحقیق

مقایسه جمعیت فعال سال ۸۵ و ۹۰، نشان می‌دهد با وجود افزایش جمعیت در سال ۹۰، درصد جمعیت زیر ۱۰ سال کاهش داشته که از دلیل این امر کاهش زاد و ولد بوده است. همچنین درصد جمعیت فعال افزایش داشته است به طوری که از ۱۸۳۴ نفر به ۲۱۴۳ نفر رسیده و از سوی دیگر درصد جمعیت غیرفعال کم شده است که این وضعیت بهبود نسبی وضعیت شاغلین را در شهر نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول شماره (۱): مقایسه جمعیت فعال و غیرفعال محمودآباد در سال‌های ۸۵-۹۰

جمعیت غیر فعال	تعداد جمعیت فعال			جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	کل جمعیت	سال
	بیکار	شاغل	جمع			
۳۲۷۸	۹۹	۵۴۶	۱۸۳۴	۵۲۱۲	۶۰۳۳	۱۳۸۵
۳۵۰۹	۲۷۵	۱۸۶۸	۲۱۴۳	۵۶۹۵	۶۶۸۰	۱۳۹۰

مأخذ: گزیده نماگرهای جمعیتی شهرهای کشور، ۱۳۸۹، ۲۱۲؛ مرکز آمار ایران ۱۳۹۰

براساس اطلاعات مرکز آمار در سال ۱۳۹۰ از بخش‌های عمده فعالیت، بیشترین تعداد شاغلین در بخش خدمات با ۴۴ درصد و کمترین تعداد شاغلین در بخش کشاورزی با ۲۱ درصد فعالیت دارند. این روند حاکی از رشد شهرنشینی در محمودآباد است که نماد آن رشد بخش خدمات و کاهش اشتغال در بخش کشاورزی است (جدول ۲).

جدول شماره (۲): شاغلین بخش‌های عمده فعالیت در شهر محمودآباد در سال ۱۳۹۰

شاغلین		بخش‌های عمده فعالیت
درصد	تعداد	
۲۱	۳۸۵	کشاورزی
۳۰	۵۵۶	صنعت
۴۴	۸۱۶	خدمات
۵	۱۱۱	اظهار نشده
۱۰۰	۱۸۱۶	جمع

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

مقایسه جدول اراضی زیرکشت در سال ۸۵ و ۹۰ نشان داد میزان اراضی زیر کشت آبی شهر محمودآباد (مجموع روستای کهنه محمود جیق و روستای محمودآباد) در سال ۱۳۸۵ برابر با ۹۹۰ هکتار بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۷۵۰ هکتار کاهش یافته است. همچنین سطح زیر کشت دیمی در سال ۸۵ برابر ۵۲۲ هکتار بوده که در سال ۹۰ این میزان با افزایش اندک به ۵۵۰ هکتار و همچنین سطح زیرکشت باغ در سال ۸۵ برابر با ۴۴ هکتار که در سال ۹۰ به ۱۵۰ هکتار رسیده است. افزایش سطح اراضی زیرکشت باغی با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته ناشی از تغییر اراضی آبی کشاورزی به اراضی باغی بوده است (جدول ۳).

جدول شماره (۳): مساحت اراضی زیر کشت محمودآباد به هکتار، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

سال	روستا	سطح زیر کشت آبی	سطح زیر کشت دیمی	سطح زیر کشت باغ	مجموع
۱۳۸۵	کهنه محمود جیق	۷۲	۲۰۵	۳	۲۸۰
	محمودآباد	۲۷۰	۳۱۷	۴۱	۶۲۸
	شهر محمودآباد	۹۹۰	۵۲۲	۴۴	۱۵۵۶
۱۳۹۰	شهر محمودآباد	۷۵۰	۵۵۰	۱۵۰	۱۴۵۰

مأخذ: مرکز خدمات مشاوره‌ای محمودآباد، ۱۳۸۵ و مرکز خدمات ترویج جهاد کشاورزی ۱۳۹۰

بررسی وضعیت اشتغال قبل و بعد از شهر شدن نشان داد میانگین بعضی از شاخص‌ها از جمله صنایع فرآوری کشاورزی، امنیت شغلی، اشتغال در کارگاه های تولیدی، رضایت‌مندی از شغل ثابت بوده و تغییری بعد از شهر شدن محمودآباد نداشته است. اما دیگر شاخص‌های اشتغال همچون تعداد واحدهای تولیدی قبل از شهر شدن افزایش داشته است. همچنین میانگین بیکاری نیز نسبت به قبل افزایش یافته که ناشی از کاهش فرصت شغلی در بخش کشاورزی و صنعت در شهر محمودآباد بوده است. میانگین تنوع شغلی از ۱/۶ به ۲/۸ که عمدتاً به دلیل افزایش مشاغل خدماتی و اداری بوده است؛ به طوری که میانگین اشتغال در فعالیت خدماتی عمدتاً مغازه داری از ۲ به ۲/۹ رسیده است. اما میانگین اشتغال در فعالیت کشاورزی از ۳/۶ به ۲/۸ کاهش زیادی داشته است که این وضعیت حاکی از افزایش سنین فعالیت در بخش کشاورزی سنتی (زراعی و دامی) و عدم استقبال و جذب جمعیت جوان در این بخش با توجه به کاهش اراضی کشاورزی و تبدیل اراضی به مسکونی است (جدول ۴).

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی و میانگین وضعیت اشتغال قبل و بعد از شهر شدن

شاخص‌ها	قبل از شهر شدن						در حال حاضر					
	میانگین	زیاد	متوسط	کم	کمتر از کم	بیشتر از کم	میانگین	زیاد	متوسط	کم	کمتر از کم	بیشتر از کم
واحدهای تولیدی	۵۴	۲۲۹	۳۷	۰	۰	۱.۹	۰	۰	۳۷	۲۲۹	۵۴	
صنایع فرآوری کشاورزی	۱۵۳	۱۶۷	۰	۰	۰	۱.۵	۰	۰	۰	۱۶۷	۱۵۳	
فرصت‌های شغلی	۱۰۷	۴۰	۱۶۹	۴	۰	۲.۲	۰	۴	۱۶۹	۴۰	۱۰۷	
اشتغال زنان	۱۹۳	۵۶	۷۱	۰	۰	۱.۶	۰	۰	۷۱	۵۶	۱۹۳	
بیکاری	۶۳	۴۶	۱۹۰	۱۶	۵	۲.۵	۵	۱۶	۱۹۰	۴۶	۶۳	
تنوع شغلی	۱۲۸	۱۷۱	۲۱	۰	۰	۱.۶	۰	۰	۲۱	۱۷۱	۱۲۸	
امنیت شغلی	۵۵	۶۸	۱۸۹	۸	۰	۲.۵	۰	۸	۱۸۹	۶۸	۵۵	
اشتغال در کشاورزی	۱۵	۳۲	۸۰	۱۲۶	۶۷	۳.۶	۶۷	۱۲۶	۸۰	۳۲	۱۵	
اشتغال در کارگاه تولیدی	۹۰	۲۲۱	۷	۰	۰	۲	۰	۲	۷	۲۲۱	۹۰	
اشتغال در فعالیت خدماتی	۱۹۲	۶۹	۲۵	۳۴	۰	۲	۰	۳۴	۲۵	۶۹	۱۹۲	
رضایت‌مندی از شغل	۲۲	۷۹	۱۷۵	۱۶	۲۸	۲.۸	۲۸	۱۶	۱۷۵	۷۹	۲۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

در رابطه با وضعیت درآمد قبل و بعد از شهر شدن، تفاوت میانگین‌ها گویای آن بوده است که سطح اراضی آبی بعد از شهر شدن کاهش داشته است و از دلایل آن تغییر کاربری اراضی از اراضی آبی به مسکونی و باغی بوده است. این امر موجب شده تولیدات زراعی کاهش و تولیدات باغی افزایش یابد که به تبع بر میزان درآمد اثرگذار بوده است. در دیگر شاخص‌ها همچون سطح اراضی دیمی، تبدیل واحدهای تولیدی سنتی به صنعتی، درآمد کارگاه‌های صنعتی، سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی، متوسط درآمد سالانه، بعد از شهر شدن تفاوت چندانی با قبل نداشته و به میزان کمی بهبود یافته است. اما میانگین اشتغال در دیگر شاخص‌ها همچون پس‌انداز خانوار، قدرت خرید، کاهش داشته که عمدتاً به دلیل افزایش هزینه شهری، رواج مصرف‌گرایی و افزایش تورم است. میانگین درآمد در فعالیت کشاورزی بعد از شهر شدن افزایش داشته که ناشی از افزایش قیمت محصولات، دسترسی به مراکز بازاری است. همچنین در ارتباط با میانگین درآمد در فعالیتهای خدماتی اگر چه اشتغال در بخش خدمات بعد از شهر شدن افزایش داشته، اما در مصاحبه‌های صورت گرفته از مغازه‌داران عنوان شده که عدم تناسب جمعیت با اشتغال ایجاد شده در شغل‌های خدماتی موجب شده درآمد کمتری در مقایسه با کشاورزان داشته باشند. در مورد میزان رضایت‌مندی خانوارها از درآمد نیز بعد از شهر شدن، رضایت از درآمد کاهش داشته است (جدول ۵).

مقایسه تطبیقی جدول درآمد و اشتغال نشان می‌دهد به رغم اینکه بخش کشاورزی از درآمد بیشتری نسبت به بخش صنعت و خدمات برخوردار است. با این حال بخش خدمات، جذابیت بیشتری در حوزه اشتغال دارد. به نظر می‌رسد که نسل جدید علاقه کمتری به شغل کشاورزی داشته و رو به فعالیتهای خدماتی آورده است. علاوه بر این افراد معدودی توانایی خرید زمین کشاورزی و ملزومات و ابزارآلات مربوط به آن را دارند. از سوی دیگر صاحبان اراضی محدود منطقه نیز تمایلی به فروش این اراضی که منبع درآمدی آنهاست، ندارند.

جدول شماره (۵): توزیع فراوانی و میانگین درآمد قبل و بعد از شهر شدن

شاخص‌ها	قبل از شهر شدن					در حال حاضر						
	میانگین	زیاد	معمول	کم	کمتر از	میانگین	زیاد	معمول	کم	کمتر از		
سطح اراضی زیر کشت	۱۹	۴۰	۶۴	۱۶۵	۳۲	۳۴	۹۳	۱۰۷	۷۶	۳۰	۱۴	۲.۲
سطح اراضی آبی زیر کشت	۲۱	۳۴	۷۷	۱۸۲	۶	۳.۳	۵	۲۲۲	۴۷	۴۰	۶	۲.۴
سطح اراضی دیمی زیر کشت	۲۵	۲۲۵	۴۹	۱۶	۵	۲.۲	۲۵	۲۲۷	۶۰	۸	۰	۲.۱
تولیدات زراعی	۱۱	۳۸	۸۱	۱۸۶	۴	۳.۴	۱۱	۲۰۶	۸۳	۲۰	۰	۲.۳
تولیدات باغی	۱۵	۴۶	۲۳۸	۲۱	۰	۲.۸	۱۳	۴۴	۶۹	۱۹۴	۰	۳.۳
تغییر کاربری کشاورزی	۱۳۳	۱۰۰	۴۶	۲۳	۱۸	۲	۱۸	۲۶	۷۵	۱۷۱	۳۰	۳.۵
سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی	۱۱۱	۱۶۷	۲۷	۱۵	۰	۱.۹	۸۷	۹۵	۹۸	۲۷	۱۳	۲.۲
تبدیل واحدهای تولیدی سنتی به صنعتی	۱۱۴	۱۵۹	۳۹	۸	۰	۱.۸	۱۳۹	۹۸	۷۱	۱۲	۰	۱.۹
متوسط درآمد سالانه	۳۹	۱۴۲	۱۱۵	۱۶	۸	۲.۴	۴۴	۱۱۰	۹۷	۴۸	۲۱	۲.۶
پس‌انداز خانوار	۵۳	۶۵	۱۷۷	۲۵	۰	۲.۵	۱۰۴	۱۱۷	۷۵	۱۳	۱۱	۲
قدرت خرید	۴۳	۵۶	۲۲۰	۱	۰	۲.۵	۱۳۱	۱۲۵	۵۲	۱۲	۰	۱.۸
درآمد کشاورزی	۴۰	۵۱	۱۳۷	۶۶	۲۶	۲.۹	۳۸	۶۱	۱۳۱	۷۶	۱۴	۳.۱
درآمد کارگاه صنعتی	۷۳	۲۲۶	۱۵	۶	۰	۱.۸	۷۵	۱۸۸	۴۸	۳	۶	۱.۹
درآمد فعالیت‌های خدماتی	۲۱۸	۸۹	۱۳	۰	۰	۱.۳	۸۴	۷۹	۴۹	۱۰۸	۰	۲.۵
رضایتمندی از درآمد	۶۶	۵۰	۱۲۲	۶۱	۲۱	۲.۷	۸۲	۹۲	۸۲	۴۱	۲۳	۲.۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

در پاسخ به این سوال که شهر شدن روستای محمودآباد چه تغییراتی در وضعیت اقتصادی ساکنان آن داشته است؟ یافته‌ها (جدول ۶) حاکی از بهبود نسبی وضعیت اقتصادی بعد از شهر شدن محمودآباد بوده است.

جدول شماره (۶): آزمون نمونه زوجی مقایسه میانگین وضعیت اقتصادی محمودآباد قبل و بعد از شهر شدن

میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	میزان تأثیر	درجه آزادی	سطح معناداری
-۴/۴۷۱	۲/۸۸۹	۰/۱۶۱۵	-۲۷/۶	۳۱۹	۰/۰۰۰

در پاسخ به این سوال که چه تفاوتی در وضعیت اشتغال ساکنان قبل و بعد از شهر شدن محمودآباد مشاهده شده است؟ نتایج به دست آمده نشانگر بهتر شدن ناچیز وضعیت اشتغال بعد از شهر شدن محمودآباد بوده است (جدول ۷) که بهبود وضعیت اشتغال بعد از شهر شدن عمدتاً ناشی از افزایش نسبی فعالیت‌های خدماتی همچون تهیه غذا، بنگاه املاک، سوپرمارکت‌ها، تعمیراتی‌ها، دفاتر مهندسی و دفاتر

بیمه بوده است که در چرخه اقتصادی این شهر ورود پیدا کرده و بر میزان اشتغال آن تاثیر مثبتی داشته است.

جدول شماره (۷): آزمون نمونه زوجی مقایسه میانگین وضعیت اشتغال محمودآباد قبل و بعد از شهر شدن

میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	میزان تأثیر	درجه آزادی	سطح معناداری
-۳/۸۵	۲/۷۸	۰/۱۵۵	-۲۴/۷	۳۱۹	۰/۰۰۰

در بررسی اثر شهر شدن محمودآباد بر وضعیت درآمد ساکنان آن نتایج نشان داد (جدول ۸) درآمد ساکنان بعد از شهر شدن محمودآباد کاهش یافته است. این امر عمدتاً ناشی از متغیر تورم بوده است که به طور کلی در روستاها برابر با ۴۲/۱ درصد و در شهرها ۳۵/۹، بالاتر از شهرهای بزرگ است (مرکز آمار، ۱۳۹۲، ۳ و ۲). همچنین کاهش ارزش پول ملی و در نهایت کاهش قدرت خرید مردم در طول چند سال اخیر، در کاهش درآمدها اثرگذار بوده است.

جدول شماره (۸): آزمون نمونه زوجی مقایسه میانگین وضعیت اشتغال محمودآباد قبل و بعد از شهر شدن

میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	میزان تأثیر	درجه آزادی	سطح معناداری
-۰/۶۲۱۸۷	۱/۱۵۱	۰/۰۶۴	-۹/۶۵۸	۳۱۹	۰/۰۰۰

۵) نتیجه گیری

بر اساس نتایج پژوهش وضعیت اقتصادی ساکنان بعد از شهر شدن روستای محمودآباد، افزایش و بهبود نسبی یافته است. رسیدن به این شاخص نتیجه تغییر و تحول در شاخص‌هایی نظیر متغیر اشتغال پس از شهر شدن محمودآباد بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین اشتغال بعد از شهر شدن افزایش نسبی داشته است به گونه‌ای که شهر شدن سبب شده در رابطه با اشتغال، علاوه بر شغل‌های سابق، فعالیت‌های خدماتی همچون تهیه غذا، بنگاه املاک، سوپرمارکت‌ها، تعمیراتی‌ها، دفاتر مهندسی و دفاتر بیمه به چرخه اقتصادی این شهر ورود پیدا کرده و بر میزان اشتغال آن تاثیر مثبتی داشته باشد. اما وضعیت درآمد بنا به نظر مردم بعد از شهر شدن به میزان کمی افزایش داشته است. در ارتباط با درآمد قدرت خرید فرد به نصف کاهش یافته است.

با توجه به تمام موارد پیش‌گفته و همچنین بهبود نسبی که در وضعیت اقتصادی محمودآباد داشته است؛ داده‌ها و اطلاعات میدانی تا این زمان نشان می‌دهد که با مشخصه‌های محمودآباد با ویژگی‌های شهرهای کوچک مطابق با نظریه راندینلی و سایر نظریه‌پردازان شهری فاصله دارد. نظریه راندینلی مبتنی بر این است که پایداری اقتصاد شهرهای کوچک وابسته به تولیدات کشاورزی است، در حالی که بخش کشاورزی در شهر محمودآباد نه تنها توسعه پیدا نکرده بلکه کاهش نیز داشته است. با توجه به اینکه شهر

شدن محمودآباد تنها رویکردی بخشنامه‌ای داشته و توسعه ساختارهای اقتصادی آن همچنان عقیم مانده‌اند و پیامدها و آثار منفی متعددی به وجود آورده است که عبارتند از: کم شدن منابع زیرکشت کشاورزی و گسترش بی رویه بازار دلالی و اقتصاد خدماتی. از این رو در صورتی که مدیریت کارآمدی بر شهرهای کوچک وجود نداشته باشد و مشاغل تولیدی در بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی در شهر محمودآباد رشد و توسعه نداشته باشد، درآمد افزایش چندانی نخواهد داشت و رضایت ساکنین را فراهم نمی‌آورد و در نهایت می‌تواند موجب مهاجرت افراد در سنین فعالیت شود.

بر اساس موارد مطرح شده پیشنهاد می‌شود در تبدیل روستا به شهر بایستی به تدریج بسترهای لازم برای شکل‌گیری شهر در ابعاد اقتصادی و کالبدی فراهم شود تا زمینه لازم را در ابعاد اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. همچنین در سیاست تبدیل روستا به شهر علاوه بر معیار کمی (تعداد جمعیت، نرخ رشد)، به معیارهای کیفی از جمله داشتن مرکزیت در خدمات رسانی، داشتن حداقل تأسیسات و خدمات زیربنایی لازم، قابلیت شهرهای کوچک برای متنوع‌سازی کشاورزی، داشتن ظرفیت بالقوه و بالفعل برای صنایع فرآوری محصولات کشاورزی و کارکردهای بازاری همچون انبارداری، در راهبرد توسعه شهرهای کوچک توجه شود.

۶ منابع

- آذین پور، ایوب، ۱۳۷۳، پایان نامه کارشناسی رشته علوم اجتماعی، مرکز آموزش عالی فرهنگیان تبریز؛
- افراخته، حسن، ۱۳۸۳، نقش شهرها در توسعه ناحیه ای. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی شماره ۵۰؛
- ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی، رساله دوره دکتری برنامه‌ریزی روستایی؛
- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، چاپ اول، سمت، تهران؛
- رضوانی، محمدرضا، علی گلی، سعیدرضا و اکبریان رونیزی، ۱۳۸۶، نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه، مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان)، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، انتشارات موسسه جغرافیا دانشگاه تهران، سال سی و نهم، شماره ۶۱؛
- سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، مرکز آمار کشور؛
- سبزیان، سعید، ۱۳۷۴، مهاجرت های روستایی، پایان نامه دوره دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر حسن سرایی؛
- شکویی، حسین، ۱۳۷۲، جغرافیای شهری، پیام نور، ۱۰۷؛
- طاهرخانی، حبیب الله، ۱۳۷۸، تبدیل روستاهای بزرگ به شهر، نگاهی به یک سیاست، شهرداری‌ها، شماره ۵؛
- علی بابایی، محمدرضا، ۱۳۸۱، بررسی نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی فضایی جمعیت استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛
- قادرمزی، حامد، ۱۳۸۳، نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (روستا شهر دهگلان)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران؛

- قرخلو، مهدی و جواد شورچه، ۱۳۸۵، نگرشی منطقه‌ای در ارزیابی عملکرد شهر جدید در ایران با تأکید بر تقویت روستا شهرها، نشریه علوم جغرافیایی، جلد ۵، شماره ۷؛
- گلی، علی و علی عسگری، ۱۳۸۴، کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر: استان تهران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۲؛
- مرکز آمار، ۱۳۸۹، گزیده نماگرهای جمعیتی شهرهای کشور بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار؛
- مرکز آمار، ۱۳۹۰، واحد اطلاع رسانی آماری، مرکز آمار ایران؛
- مرکز خدمات مشاوره‌ای (فنی-مهندسی) محمودآباد، ۱۳۸۵؛
- مرکز خدمات ترویج جهاد کشاورزی، دفترچه و سند کشاورزی، ۱۳۹۰؛
- مرکز آمار، ۱۳۹۲؛ گزارش شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی و شهری کشور؛
- وزارت کشور، ۱۳۷۸، ارزیابی سیاست ایجاد شهرداری در روستاهای بزرگ، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور؛
- Deyin, Y. & Sun Z. (1982). **The Strategic Objective of Urban Development in China: Taking Vigorous Action to Develop Small Cities**, p 324.
- Douglass, M. (1998) **A Regional Network Strategy for Regional Reciprocal Rural-Urban Linkages**, Vol.2, 1: 1-33.
- Evans, H., Emrys. A (1992). **Virtuous Circle Model of Rural-Urban Development: Evidence from a Kenyan Small Towns and its Hinterland**. p689.
- Leinbach, T,R,1992, **Small Towns, Rural Linkages and Employment**, International Regional Science Review, Vol,14, No.3, pp 317-323
- Poppe, Manfred (1991), **“Structure planning for medium-sized towns in Egypt, a problem-oriented approach”**. Third World Planning Review.
- Rondinelli Dennies A. (1983), **“Towns and Small Cities in Developing Countries”**, The Geographical Review, Vol. 73, No.4, pp. 379-395
- Ruddle & Dennis A. Rondinelli, 1983, **Transforming Natural Resources for Human Development: A Resource System Framework for Development Policy**, USA, United Nation University.
- Silberfein, Marilyn & Shelly Kessler, 1988, **The Role of a Small Town in Rural Development: A Sierraleon case study**, Studies in Comparative International Development, Vol. 23, No. 1, pp,85-101.